بسم الله الرحمن الرحیم

شنبه 18/2/1400=25رمضان 1442-8مه 2021-درس 325و326فقه الاداره – فقه النظارة- نظارت بر برنامه – خاتمه – احکام نظارت –ضمانت نظارت –

مساله : در تنازع بین حسبه و عامل برنامه در نظارت و عدم نظارت موثرقول کدام ظرف مقدم است؟

فقه الحدیث

قاعده حمل بر صحت

3- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَار[[1]](#footnote-1)ِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي كَلَامٍ لَهُ‏ ضَعْ‏ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا.[[2]](#footnote-2)

1-سندضعیف است به علت ارسال و اضمار و تعلیق[[3]](#footnote-3)ولی شهرت جابر[[4]](#footnote-4) دارد که بر اساس مضمون آن قاعده فقهیه ترتیب داده و پردازش نموده اند

2-دلالت آن بر مانحن فیه به این است که رفع تنازع میکند بین حسبه و بین عامل برنامه به این معنا که هرکدام عمل دیگری را حمل برصحت میکنند طبق قاعده فقهی حمل بر صحت که به اصل صحت[[5]](#footnote-5) هم مشهور است تعبیر فقها به اصل صحت در "فعل غیر" یا "فعل نفس و غیر"یا "فعل مومن" هم آمده است [[6]](#footnote-6) والبته این قاعده معارضاتی دارد در خصوص قاعده زمانه که در کلام معصومین آمده بود و مابر دوفرض زمانه غلبه جور و عدل بحث میکنیم که فرهنگ سازمانی مورد نظر چگونه است لذا تعارضی حل ناشدنی وجود ندارد اما قاعده فقهی حمل بر صحت هم برحکم تکلیفی دلالت میکند یعنی فعل صادره از عامل برنامه، مباح و مشروع است و حرام نیست و هم که حکم وضعی به معنای ترتب اثر است یعنی نظارت ناظر صحیح واثر بخش بوده است و عمل عامل هم صحیح و صالح است و عیوب را رفع کرده یا سعی در رفع آن داشته موانعی پیش آمده که بر طرف نشده است دلیلی ندارد که منحصر در حکم تکلیفی شود که بعضی از معاصرین به آ« رای داده است [[7]](#footnote-7). در این صورت حل تنازع به این است که با نظارت مستمر و نیز مساعدت در مسیر رفع عیب میتوان به بهبود مستمر که نتیجه نظارت صحیح است دست یافت و در اثر نظارت مستمر است که میتوان به بهبود مستمر رسید و جبران مافات کرد و نیازی به متهم کردن یکدیگر هم نیست .

1. ابوعبدالله حسین بن مختار قلانسی کوفی، اهل [کوفه](http://wikifeqh.ir/کوفه" \o "کوفه" \t "_blank) و از موالی [بنی احمس](http://wikifeqh.ir/بنی_احمس)، تیره‌ای از بجیله، و صحابی امام باقر، امام صادق و امام کاظم (علیهم‌السّلام) بود.  
   [شیخ مفید](http://wikifeqh.ir/شیخ_مفید" \o "شیخ مفید" \t "_blank) نامش را در زمره صحابی خاص امام کاظم (علیه‌السّلام)، فردی مورد اعتماد، اهل علم، با ورع و فقیه ذکر کرده است، اما [شیخ طوسی](http://wikifeqh.ir/شیخ_طوسی) وی را واقفی دانستهو به همین‌سبب برخی او را از راویان ضعیف به شمار آورده‌اند[۱۰]گروهی نیز واقفی بودنش را مردود دانسته و بر وثاقت او تاکید کرده‌اند[۱ [↑](#footnote-ref-1)
2. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 362 / باب التهمة و سوء الظن ..... ص : 361 [↑](#footnote-ref-2)
3. الكافي/2/247: [3] عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي كَلَامٍ لَهُ ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ...

   الكافي 1/10: [3/1]() عدة من أصحابنا[تعليق‏] عن أحمد بن محمد بن خالد[ضمير] عن أبيه عن من حدثه عن الحسين بن المختار عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع [↑](#footnote-ref-3)
4. شهرت، فراوانی [راوایان](https://wikifeqh.ir/راوایان) یک [حدیث](https://wikifeqh.ir/حدیث)، یا اشتهار یک [فتوا](https://wikifeqh.ir/فتوا) یا رواج یک [عمل](https://wikifeqh.ir/عمل) است. شهرت، در [لغت](https://wikifeqh.ir/لغت) به معنای شایع بودن، رواج داشتن و وضوح می‌آید و در اصطلاح [علمای اصول](https://wikifeqh.ir/اصولیون)، گاهی مراد از آن، فراوانی تعداد راویان یک [حدیث](https://wikifeqh.ir/حدیث) است به اندازه‌ای که به [حد تواتر](https://wikifeqh.ir/حد_تواتر) نرسد، و گاهی مراد از آن، رواج و اشتهار یک [فتوا](https://wikifeqh.ir/فتوا) میان [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) است، در صورتی که به حد [اجماع](https://wikifeqh.ir/اجماع) نرسد.

   از شهرت در [اصول فقه](https://wikifeqh.ir/اصول_فقه)، مبحث [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) سخن رفته است  
   شهرت سه گونه است: [فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی)؛ [روایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_روایی)؛ [عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی)، که توضیح هر یک در جای خود آمده است.

   ۱. [شهرت روایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_روایی" \o "شهرت روایی" \t "_blank) يعنى نقل روايت توسط [راویان](https://wikifeqh.ir/راویان) متعدد و بسيار که تعدادشان به حد [تواتر](https://wikifeqh.ir/تواتر) نرسيده است. به چنين روايتى [حدیث مشهور](https://wikifeqh.ir/حدیث_مشهور) گويند. مقابل آن، [حدیث شاذ](https://wikifeqh.ir/حدیث_شاذ) قرار دارد.

   شهرت روايى از اسباب حصول اطمينان به صدور [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) از [معصوم](https://wikifeqh.ir/معصوم) عليه السلام است. از‌اين‌رو، شهرت روايى جبران کننده [ضعف سند](https://wikifeqh.ir/ضعف_سند) ى روايت بوده، آن را در رديف روايت قوى و معتبر قرار مى‌دهد.

   ضمن آنکه از اسباب ترجيح روايت نيز شمرده مى‌شود. بنابراين، در جايى که مضمون دو روايت با يکديگر متعارض است، چنانچه يکى از آن دو، [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) و ديگرى [شاذ](https://wikifeqh.ir/شاذ) باشد، روايت مشهور مقدم مى‌شود.

   البته برخى،شهرت روايى را از اسباب ترجيح نشمرده و گفته‌اند: با وجود [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) مشهور، روايت شاذِ مخالف آن از حجيت ساقط است. بنابر اين، تعارضى وجود ندارد تا يکى به سبب شهرت بر ديگرى ترجيح داده شود؛ زيرا قوام تعارض به حجّت بودن دو خبر، صرف نظر از اسباب [ترجیح](https://wikifeqh.ir/ترجیح) است.  
   [شهرت عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی" \o "شهرت عملی" \t "_blank)؛ يعنى [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) بودن عمل به روايتى نزد [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) و استناد آنان به آن در مقام فتوا. [۳۴]برخى، مطابقت فتواى مشهور با مفاد روايتى را از اقسام شهرت عملى بر شمرده‌اند؛ هرچند به حسب ظاهر مستند به آن روايت نباشد.   
   نسبت ميان [شهرت عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی) و شهرت روايى عموم و خصوص من وجه است. بنابر اين، ممکن است روايتى به لحاظ [نقل](https://wikifeqh.ir/نقل)، [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) باشد؛ ليکن مورد عمل مشهور [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) نباشد. چنان که عکس آن نيز ممکن است. گاهى نيز روايتى هم شهرت روايى دارد و هم شهرت عملى.   
   در شهرت عملى دو بحث وجود دارد: يکى ترجيح روايت به سبب شهرت عملى در مقام [تعارض](https://wikifeqh.ir/تعارض) و ديگرى جبران ضعف [روایت ضعیف](https://wikifeqh.ir/روایت_ضعیف) به شهرت عملى، قطع نظر از تعارض. به تصريح برخى، دليلى بر [ترجیح](https://wikifeqh.ir/ترجیح) [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) به شهرت عملى وجود ندارد، مگر بنابر اين قول که آنچه موجب نزديک‌تر شدن يکى از دو روايت به واقع گردد، از اسباب ترجيح به شمار مى‌آيد. بنابر اين قول، شهرت عملى از اسباب ترجيح روايت خواهد بود

   اما نسبت به بحث دوم، [شهرت عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی)، ضعف سندى روايت را جبران کرده، مصحح عمل به آن است؛ هرچند روايت بر حسب قواعد [رجال](https://wikifeqh.ir/رجال) ى در نهايت ضعف باشد؛ چنان که [اعراض](https://wikifeqh.ir/اعراض) عملى مشهور [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) از روايتى موجب ضعف و سستى آن خواهد شد؛ هرچند آن روايت، مشهور و از نظر سند بسيار قوى و معتبر باشد؛ زيرا اعراض مشهور از آن- به رغم قوت سند- حاکى از وجود خللى در روايت است؛ چنان که در فرض اول، عمل مشهور- به رغم ضعف سند- بيانگر عدم خلل و قوّت آن است.   
   برخى، عمل مشهور به روايت ضعيف را جبران کننده ضعف سندى آن، و اعراض آنان از روايت صحيح و قوى را موجب سستى و خلل در آن ندانسته‌اند.   
   البته ترجيح روايت به شهرت عملى بنابر قول به آن و نيز جبران ضعف سند به عمل [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور)، مشروط به اين است که عمل به روايت، مشهور نزد قدماى اصحاب باشد که به عصر حضور [معصوم](https://wikifeqh.ir/معصوم) عليه السّلام نزديک اند و شهرت ميان متأخران کفايت نمى‌کند.

   ۳. [شهرت فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی" \o "شهرت فتوایی" \t "_blank)؛ يعنى مشهور بودن رأى و نظرى نزد [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها)، بدون آنکه مستند به روايتى باشد؛ خواه در آن زمينه روايتى نباشد، يا باشد، ليکن مخالف فتواى مشهور باشد و يا موافق باشد، اما مشهور به آن استناد نکرده باشند و يا استناد بدان براى ما محرز نباشد؛ زيرا در فرض علم به اينکه مستند آنان روايت است، شهرت، عملى خواهد بود نه فتوايى.  
   برخى، مطابقت فتواى مشهور با روايت موجود را از مصاديق شهرت عملى بر شمرده‌اند، نه شهرت فتوايى؛ هر چند بر حسب ظاهر، آن روايت مستند فتواى مشهور نباشد؛ همان گونه که گذشت

   در اينکه [شهرت فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی)، معتبر و [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) است يا نه، اصوليان اختلاف نظر دارند. منشأ اختلاف اين است که آيا [ظن](https://wikifeqh.ir/ظن) حاصل از آن، از ظنون خاص و معتبر است يا نه. بسيارى از آنان [ظن](https://wikifeqh.ir/ظن) حاصل از شهرت فتوايى را معتبر و [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) ندانسته و ادله حجيت آن را مخدوش دانسته ‌اند.

   **جابر بودن شهرت فتوايي** آيا شهرت فتوايى جبران کننده ضعف [سند](https://wikifeqh.ir/سند) [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) است؟ برخى، شهرت فتوايى ميان قدما را همچون شهرت عملى، جبران کننده ضعف سند روايت موافق با فتوا دانسته‌ اند.

   برخى ديگر، [شهرت فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی) ميان قدما را تنها موجب سستى و ضعف روايت مخالف آن دانسته‌اند، نه جبران کننده ضعف روايت ضعيفِ موافق [فتوا](https://wikifeqh.ir/فتوا). البته اين اختلاف مبتنى بر اين فرض است که شهرت فتوايى با وجود روايتى موافق آن، از مصاديق شهرت عملى شمرده نشود.

   مخالفت با مشهور: هرچند مشهور [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) ظن حاصل از شهرت فتوايى را [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) نمى‌دانند، ليکن بسيارى از آنان در مقام عمل از مخالفت با [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) خوددارى ورزيده و کوشيده‌اند تا مستندى براى نظر مشهور بيابند؛ هرچند دليل مخالف مشهور اقوى‌ باشد؛ بويژه در جايى که قول مشهور موافق [احتیاط](https://wikifeqh.ir/احتیاط) باشد. [↑](#footnote-ref-4)
5. اصل صحت یکی از اصطلاحات [علم اصول](http://wikifeqh.ir/علم_اصول) است و در دو معنا به کار رفته است؛ یکی اصل صحت به معنای حمل فعل [مؤمن](http://wikifeqh.ir/مؤمن) بر وجه صحیح و جایز، در مقابل قبیح ([حرام](http://wikifeqh.ir/حرام) و ممنوع) و دیگری اصل صحت به معنای حمل فعل دیگران بر وجه تام و کامل، در برابر ناقص. طبق معنای اول، اصل صحت بر پایه [حُسن ظن](http://wikifeqh.ir/حسن_ظن) بناگذاری شده و اصلی اخلاقی شمرده می‌شود و طبق معنای دوم، اصل صحت از [قواعد فقهی](http://wikifeqh.ir/قواعد_فقهی) است که مختص فعل مؤمن نیست، بلکه درباره همه مسلمانان، بلکه کافران نیز در برخی موارد جاری می‌شود.

   [[۱]](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)" \l "foot1) اصل صحت» از قواعدی است که در کتب اصولی از آن بحث می‌شود و در موارد مختلفی قابل طرح است. اجمالًا می‌توان گفت اصل صحت به نوع برخورد و قضاوت انسان درباره گفتار و کردار و عقاید دیگران ([مسلمانان](http://wikifeqh.ir/مسلمانان) یا اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان) مربوط می‌شود.  
   بسیاری از کتب اصولی عرصه‌های مختلف این بحث را یکجا و در قالب یک اصل بحث کرده‌اند؛

   ولی برخی بحث اصل صحت را در دو عرصه و با دو برداشت متفاوت و با دو گروه از ادلّه و آثار و احکام به بحث گذاشته‌اند:  
     
   ۱. اصل صحت به معنای حمل فعل مؤمن بر وجه صحیح و جایز، در مقابل قبیح (حرام و ممنوع) و ۲. اصل صحت به معنای حمل فعل دیگران بر وجه تام و کامل، در برابر ناقص. اصل صحت به معنای دوم مختص فعل مؤمن نیست، بلکه درباره همه مسلمانان، بلکه کافران نیز در برخی موارد جاری می‌شود.

   ← معنای اولطبق برداشت نخست، اصل صحت بر پایه حُسن ظن بناگذاری شده و اصلی اخلاقی شمرده می‌شود و بدین معناست که اگر در عمل مسلمان یا مؤمنی به لحاظ [حکم تکلیفی](http://wikifeqh.ir/حکم_تکلیفی)، تردید حاصل شد که آنچه از او نمود می‌کند (گفتار، کردار، عقیده) [حلال](http://wikifeqh.ir/حلال) و مشروع است یا [حرام](http://wikifeqh.ir/حرام) و قبیح، باید عمل او را بر وجه [مباح](http://wikifeqh.ir/مباح) حمل کرد؛ مثلًا اگر کسی از دور سخنی گفت و مخاطب شک کرد آیا [سلام](http://wikifeqh.ir/سلام) می‌کند یا [ناسزا](http://wikifeqh.ir/ناسزا) می‌گوید، یا شخصی مایعی می‌نوشد و مشخص نیست که آب است یا [شراب](http://wikifeqh.ir/شراب)، یا مردی به همراه زنی مشاهده شد و هر دو به [زوجیّت](http://wikifeqh.ir/زوجیّت) [اقرار](http://wikifeqh.ir/اقرار) کردند، [۱۵]در این موارد و مشابه آن‌که در جامعه فراوان اتفاق می‌افتد، اصل صحت اقتضا می‌کند که فعل آنان مباح دانسته شود و گفتار، کردار یا عقیده آنان بر وجه حسن حمل گردد.

   ← معنای دومبر اساس اصطلاح دوم، اصل صحّت قاعده‌ای فقهی است که در کتب علم اصول از آن بحث می‌شود و به مسلمانان اختصاص ندارد و بدین معناست که اگر در فعل کسی به لحاظ [حکم وضعی](http://wikifeqh.ir/حکم_وضعی)، تردید شد که آیا آن را صحیح (تام الاجزاء و الشرائط) انجام می‌دهد یا نه، باید عمل او را بر صحت حمل کرد؛ مثلًا اگر معامله‌ای، چون [خرید و فروش](http://wikifeqh.ir/خرید_و_فروش)، [ازدواج](http://wikifeqh.ir/ازدواج_(فقه))، [طلاق](http://wikifeqh.ir/طلاق)، [وکالت](http://wikifeqh.ir/وکالت)، [رهن](http://wikifeqh.ir/رهن) و... انجام بدهد همه این موارد بر صحت حمل می‌شود و آثار عقود یا ایقاعات مترتب می‌گردد.تفاوت این اصل با «[قاعده فراغ](http://wikifeqh.ir/قاعده_فراغ)» آن است که حمل به صحّت در قاعده فراغ در فعل خود انجام می‌گردد؛ ولی در اصل صحت، در فعل غیر. [۱۶]این دو نوع اصل صحت از یکدیگر تفکیک پذیرند و با هم ملازمه‌ای ندارند، زیرا ملاک در اوّلی تحقق عمل بر وجه اباحه است؛ ولی ملاک در دومی جریان صحت، به معنای ترتب آثار در مقابل بطلان و فساد به معنای عدم ترتب آثار است.بخشی از اعمال از هر دو جهت حسن است؛ یعنی هم بر وجه [اباحه](http://wikifeqh.ir/اباحه) صادر شده و هم اثر مطلوب را دارد. بخشی دیگر از اعمال نه [مباح](http://wikifeqh.ir/مباح) است و نه صحیح؛ مانند [معامله ربوی](http://wikifeqh.ir/معامله_ربوی)، و بخش سوم، حسن است؛ ولی صحیح نیست؛ یعنی اثر مطلوب بر آنها بار نمی‌ شود؛ مانند [معامله](http://wikifeqh.ir/معامله_(اخص)) شی‌ء مجهول، یا با [ثمن](http://wikifeqh.ir/ثمن) مجهول، و بخش چهارم حسن نیست؛ ولی صحیح است؛ مانند [بیع وقت ندا](http://wikifeqh.ir/بیع_وقت_ندا) (داد و ستد هنگام ندای [مؤذن](http://wikifeqh.ir/مؤذن) برای [نماز جمعه](http://wikifeqh.ir/نماز_جمعه)). [۱۷]به نظر می‌رسد اصل صحت فراتر از این دو عرصه نیز قابل جریان است، زیرا موارد و مصادیقی در اصل صحت مطرح می‌شود که در هیچ یک از دو اصطلاح فوق نمی‌گنجد؛ مانند:  
     
   ۱. جریان اصل صحت در گفتار هر متکلمی هنگام [شک](http://wikifeqh.ir/شک) در اینکه آیا او قصد معنا کرده یا سخنی بیهوده و [لغو](http://wikifeqh.ir/لغو) یا غلط بر زبان رانده است. در این مثال، نتیجه اصل صحت آن است که او قصد معنا کرده، به‌گونه‌ای که حتّی اگر خود نیز ادّعا کند که من قاصد معنا نبودم، بلکه سخنی گزاف گفتم، از او پذیرفته نیست.  
     
   ۲. جریان اصل صحت در گفتار متکلم از جهت صدق در [اعتقاد](http://wikifeqh.ir/باور_(فقه))؛ یعنی هر متکلمی به گفتارش معتقد و آن را در دل باور کرده است. در اینجا نیز «اصالة الصحة» جاری می‌گردد و می‌توان مضمون کلام را به وی نسبت داد

   |  |
   | --- |
   |  |

   |  |  |  |
   | --- | --- | --- |
   | [خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج۳، ص۳۲۲.](http://lib.eshia.ir/13046/3/322/فنقول) | | |
   | [فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج۷، ص۱۵۶.](http://lib.eshia.ir/20006/7/156/238" \o "فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج7، ص156." \t "_blank) | | |
   | [فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص۱۴، «اصل».](http://lib.eshia.ir/27793/1/14/أسْفَلُه" \o "فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص14، \«اصل\»." \t "_blank) | | |
   | [انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج۳، ص۴۸۱.](http://lib.eshia.ir/10193/3/481/اصطلاحا" \o "انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج3، ص481." \t "_blank) | | |
   | [انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج۳، ص۴۸۰.](http://lib.eshia.ir/10193/3/480/لغة" \o "انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج3، ص480." \t "_blank) | | |
   | [حکیم، سیدمحمدتقی، الاصول العامه، ص۳۹.](http://lib.eshia.ir/13003/1/39/كلمة" \o "حکیم، سیدمحمدتقی، الاصول العامه، ص39." \t "_blank) | | |
   | [ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌ العرب، ج۲، ص۵۰۷.](http://lib.eshia.ir/40707/2/507/صحح" \o "ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌ العرب، ج2، ص507." \t "_blank) | |
   | [جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج۱، ص۳۸۱، «صحح».](http://lib.eshia.ir/20002/1/381/خلاف" \o "جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج1، ص381، \«صحح\»." \t "_blank) | |
   | [فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص۱۷۴، «صحح».](http://lib.eshia.ir/27793/1/174/الْبَدَنِ" \o "فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص174، \«صحح\»." \t "_blank) | |
   | [آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص۱۸۲.](http://lib.eshia.ir/27004/1/182/التمامية" \o "آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص182." \t "_blank) | |
   | [آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص۱۸۲.](http://lib.eshia.ir/27004/1/182/السادس" \o "آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص182." \t "_blank) | |
   | [انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج۳، ص۳۴۵.](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/المسألة" \o "انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج3، ص345." \t "_blank) | |
   | [حائری، عبدالکریم، درر الفوائد، ج۲، ص۲۳۷- ۲۳۸.](http://lib.eshia.ir/13098/2/237/بقي" \o "حائری، عبدالکریم، درر الفوائد، ج2، ص237- 238." \t "_blank) |
   | [خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج۳، ص۳۲۲.](http://lib.eshia.ir/13046/3/322/فنقول" \o "خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج3، ص322." \t "_blank) |
   | [جصاص، ابوبکر، احکام القرآن، ج۳، ص۳۹۷.](http://lib.eshia.ir/15368/3/397/الواجب" \o "جصاص، ابوبکر، احکام القرآن، ج۳، ص397." \t "_blank) |
   | قاعدة الفراغ، ص۳۰. |
   | [مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص۵۳- ۵۴.](http://lib.eshia.ir/13055/1/53/وهذه" \o "مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص53- 54." \t "_blank) |
   | [انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج۳، ص۳۸۱.](http://lib.eshia.ir/13056/3/381/الكلام" \o "انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج3، ص381." \t "_blank) |

   بسیاری از فقها، این اصطلاح را با عنوان «اصالة الصحة فی فعل الغیر» [۷۳]مطرح نموده‌اند و ظاهر عبارت آنها، عدم جواز تمسک [مکلف](http://wikifeqh.ir/مکلف) به آن قاعده، در اثبات صحت فعل خوش می‌باشد؛ اما برخی دیگر، آن را با عنوان «اصالة الصحة فی فعل النفس و الغیر» مطرح نموده و آن را هم در فعل خود و هم در فعل غیر جاری دانسته‌اند. برخی آن را «اصالة الصحة فی افعال المسلم» می‌دانند، اما برخی دیگر، آن را نسبت به فعل هر عاقلی جاری می‌دانند، هر چند [مسلمان](http://wikifeqh.ir/مسلمان) نباشد.

   محل جریان اصلقاعده مورد بحث در جایی است که [شبهه](http://wikifeqh.ir/شبهه)، موضوعی و منشا شک، اشتباه امور خارجی باشد؛ برای مثال، اگر [امام](http://wikifeqh.ir/امام_جماعت) و [ماموم](http://wikifeqh.ir/ماموم)، هر دو به [وجوب](http://wikifeqh.ir/وجوب) سوره در [نماز](http://wikifeqh.ir/نماز) معتقد باشند و در موردی، ماموم بداند امام سوره را نخوانده است، اما نداند آیا از روی عمد آن را ترک کرده است، تا نماز او باطل باشد و یا فراموش کرده است، تا نمازش صحیح باشد، در چنین موردی، اصل صحت جاری می‌گردد؛ برخلاف موردی که در صحت حکمی تردید شود و منشا شک، دلیل آن [حکم](http://wikifeqh.ir/حکم_(فقه)) باشد، که در این صورت، اصل مزبور جاری نمی‌گردد، مانند این که کسی [معامله معاطاتی](http://wikifeqh.ir/معامله_معاطاتی) را صحیح دانسته و بر اساس آن، چیزی را با [بیع معاطات](http://wikifeqh.ir/بیع_معاطات) خریده است، حال اگر شخصی در صحت آن [معامله](http://wikifeqh.ir/معامله_(اخص)) شک نماید و منشا شک او، شک در اصل صحت معامله معاطاتی باشد، در این جا نمی‌تواند با اجرای اصالت صحت، به صحت آن حکم کند.

   |  |  |  |  |
   | --- | --- | --- | --- |
   |  |  | | |
   | نراقی، محمد بن احمد، عوائد الایام، ص۷۲. | | |
   | عراقی، ضیاء الدین، منهاج الاصول، ج۵، ص۳۷۳. | | |
   | [طباطبایی قمی، تقی، آراؤنا فی اصول الفقه، ج۱، ص۲۸۲.](http://lib.eshia.ir/13082/1/282/اورده" \o "طباطبایی قمی، تقی، آراؤنا فی اصول الفقه، ج1، ص282." \t "_blank) | | |
   | زنجانی، میرزاباقر، تحریر الاصول، ص۱۱۳. | | |
   | نائینی، محمد حسین، اجود التقریرات، ج۲، ص۳۸۲. | | |
   | [↑](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)" \l "foot-main80) [آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص۴۳۳.](http://lib.eshia.ir/27004/1/433/صحة" \o "آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص433." \t "_blank) | |
   | [صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، ج۶، ص۲۳۳.](http://lib.eshia.ir/13064/6/233/شئت" \o "صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، ج6، ص233." \t "_blank) | |

   [↑](#footnote-ref-5)
6. بسیاری از فقها، این اصطلاح را با عنوان «اصالة الصحة فی فعل الغیر[[↑](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)#foot-main73) [مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص۵۳.](http://lib.eshia.ir/13055/1/53/هی)    مطرح نموده‌اند و ظاهر عبارت آنها، عدم جواز تمسک [مکلف](http://wikifeqh.ir/مکلف) به آن قاعده، در اثبات صحت فعل خوش می‌باشد؛ اما برخی دیگر، آن را با عنوان «اصالة الصحة فی فعل النفس و الغیر» مطرح نموده و آن را هم در فعل خود و هم در فعل غیر جاری دانسته‌اند.[↑](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)#foot-main74) [آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، بحر الفوائد، ص۳.](http://lib.eshia.ir/13062/1/3/النفس)    برخی آن را «اصالة الصحة فی افعال المسلم» می‌دانند، اما برخی دیگر، آن را نسبت به فعل هر عاقلی جاری می‌دانند، هر چند [مسلمان](http://wikifeqh.ir/مسلمان) نباشد. [↑](#footnote-ref-6)
7. حمل فعل مسلم بر صحت، دارای دو موطن است:

   ۱)حمل فعل مسلم در مورد تردد بین مباح و حرام است بر مباح در دایره‌ تکلیفیات.

   ۲)حمل فعل مسلم بر صحت وضعی در مقابل احتمال بطلان، یعنی درجایی که احتمال باطل می‌دهد، آن را صحیح بداند و آثار صحت بر آن مترتب کند.

   آنچه در بحث سوءظن و حسن ظن مطرح می‌شود در واقع حمل فعل مسلم بر صحت به‌عنوان یک قاعده فقهی به معنای اول است؛ بنابراین کسی که سخن، کلام و اقدامی از او صادر شد که از آن، دو احتمال به ذهن خطور می‌کند به این نحو که: احتمال می‌دهید کار حرامی انجام دهد و احتمال می‌دهید که این کار وی جایز شرعی و تکلیفی است، این قاعده می‌گوید: کارش را بر آن احتمال حرام، حمل نکن و چنانچه سوءظن پیدا کند، قاعده می‌گوید: ظن تو این‌گونه باشد که این کار، مباح و جایز است نه حرام، فلذا در اینجا، این معنای اول مقصود است که در مقابل آن معنای دوم – که حمل فعل مسلم بر صحت به معنای وضعی است – هست. بنابراین کل مبحث حسن و سوءظن، نسبت نزدیکی دارد باقاعده حمل فعل مسلم بر صحت به معنای اول، در دایره تکلیفی و تردد بین حرمت و اباحه [↑](#footnote-ref-7)